

همایش ملی مطالعات و پژوهش های علمی علوم انسانی

نهاد برگزار کننده همایش: موسسه قانون یار با حمایت معنوی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه
سردبیر علمی و مسئول برگزاری همایش: دکتر بهنام اسدی شماره مجوز: ۴۸۵۳-۷۸۸۶۴
سال برگزاری همایش: ۱۳۹۷ شماره مقاله: ۸۹۵/۷۲۸ رده بندی کنگره: الف ۵۱۱/۲

تحلیل جزایی و جنایی ایران در قلمرو اقتصاد ملی

مهناز کریمی

چکیده

تا زمان تصویب اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، حدود ۹۰٪ از فعالیت های اقتصادی کشور در بخش دولتی متمرکز بوده که در طی سالیان متمادی ایجاد شده است. قانون گذار در طول این سال ها به منظور حسن جریان امور اداری، حمایت از فعالیت های اقتصادی دولتی، حفظ و تداوم اقتدار سازمان های دولتی، قوانین حمایتی متعددی را در موضوعات متفاوت تصویب کرده است. جرائم مختص کارکنان دولت، حمایت از اموال دولتی در قانون مجازات اسلامی، قوانین مربوط به نظارت بر عملکرد دستگاه های اداری توسط سازمان های متعدد نظارتی، قوانین مربوط به پذیرش و استخدام مستخدمین دولتی، قانون تخلفات اداری، قانون بازنشستگی و خدمات درمانی مختص کارکنان دولت، و صدها مصوبه دیگر را می توان نام برد که جهت سر و سامان و نظم بخشیدن به فعالیت های اداری به منصفه ظهور رسیده است. با این وجود، در آمارهای که از رسانه ها و دستگاه های دولتی انتشار می یابد شاهد وجود جرائم و انحرافات مالی زیادی در دستگاه های اداری کشور هستیم.

واژگان کلیدی: اقتصاد ملی، سیاست جنایی، جرایم مالی و اقتصادی، قانون اساسی

بخش اول: کلیات

قانون اساسی هر کشور به عنوان مهمترین عامل تعیین کننده سمت و سوی حرکت بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است. در قانون اساسی راهبرد اساسی و اصول کلی موضوعات مربوط به خواسته‌ها و ارزش‌های هر جامعه متبلور شده است. مسئولین بلند پایه کشور بخصوص متولیان سازمان خصوصی سازی از اجرای اصل ۴۴ به عنوان یک انقلاب اقتصادی در کشور یاد می‌کنند. معنا و مفهوم این حرف‌ها واضح و روشن است یعنی ما عملاً شاهد جابجا شدن فعالیت‌های اقتصادی دولتی به بخش‌های تعاونی و خصوصی هستیم و در این انقلاب اقتصادی، انقلاب دیگری رخ می‌دهد و آن انقلاب در سیاست‌های جنایی موجود در بخش اقتصادی دولتی است. موضوعی که تاکنون توجه مسئولین به عواقب و آثار ناشی از آن جلب نشده است. در این بخش از نوشتار سعی بر این است که در مرحله اول جهت روشن کردن بیشتر ابعاد موضوع، سیاست جنایی موجود در بخش‌های اقتصادی را در جنبه‌های مختلف به صورت اجمالی، سپس سیاست‌های جنایی به کار گرفته شده در جهت اجرای اصل ۴۴ را مورد بررسی قرار داده و در نهایت پیشنهادها و راهکارهای مقتضی جهت اجرای منطقی اصل ۴۴ را ارائه دهیم.

بخش دوم: سیاست جنایی در قلمرو اقتصاد دولتی

گرایش به مالکیت عمومی و دولتی ویژگی مهم سیاست‌های اقتصادی دولت را در دهه‌های گذشته تشکیل می‌دهد و عمدتاً پس از پیروزی انقلاب و استقرار نظام جمهوری اسلامی و متعاقب آن شروع جنگ تحمیلی تمرکز دولت بر بسیاری از صنایع و فعالیت‌های اقتصادی امری اجتناب ناپذیر نمود. دلیل آن واضح بود تمایل عمومی مردم به رفع تبعیض‌های اجتماعی و عدالت بود. در چنین شرایطی ترس آحاد ملت و نخبگان‌ها آن‌ها و در

نتیجه شورای تدوین کنندگان قانون اساسی از سلطه مجدد سرمایه داران و شکل گیری نظام سرمایه داری موجب شد که تمایل قانون به دولتی شدن مشاهده شود به همین دلیل است که مشاهده می کنیم که قانون اساسی در ابتدا مهمترین صنایع و فعالیت های تجاری و مالی را به بخش دولتی سپرده و برای بقیه امور نیز برای تعاونی ها اولویت قائل شده است به گونه ای که در صدر اصل ۴۴ بسیاری از فعالیت های مهم از جمله بانکداری، تامین نیرو، صنایع مادر و پایه و ... را دولتی و تحت مالکیت دولت منظور نموده و خصوصا در شرایط حساس جنگ در اختیار کامل دولت قرار داشت. سیاست جنایتی تقنینی در این دوران تمایل شدید به حمایت از بخش دولتی داشت به گونه ای که اکثریت جرم انگاری ها و واکنش های تنبیهی صورت گرفته مانند تعدیات کارکنان دولت نسبت به دولت، اختلاس، ارتشاء، کلاهبری و ... در این بخش بوده است. سیاست قضایی به پیروی از سیاست تقنینی کیفر محور است هر چند که سیاست جنایی قضایی با واقع بینی بیشتر با اصل تسامح و تساهل بخشی از این مقررات کیفری را تعدیل نموده است. در این حوزه سیاست قضایی، نهادهای مدنی کمتر جایگاه و مجال خودنمایی یافته است. در بخش پذیرش و اشتغال کارکنان دولتی، مقرراتی تدوین شده لیکن در عمل این مقررات به نوعی دستخوش اعمال سلیقه های شخصی مدیران دولتی قرار گرفته است. به جهت افزایش فساد اداری در دستگاه های دولتی، دستگاه های نظارتی متعددی از جمله سازمان بازرسی کل کشور، دیوان مجاسبات و ... ایجاد شده، هر چند که در عمل به دلایل متعدد نتوانسته اند مانع از افزایش فساد مالی و اداری در این بخش شوند.

بند اول: حوزه قوانین و مقررات در عرصه کیفری و جزایی

وجود مجموعه وسیعی از قوانین، آئین نامه ها، بخشنامه ها، دستورالعمل های اداری در حوزه های مختلف و موضوعات گوناگون در سیستم اقتصاد دولتی نشان از وسعت اهمیت

و موضوعات ناگفتنی زیادی دارد و روز به روز بر وسعت و دامنه آن افزوده می‌شود. و صرف نظر از حل مشکلات تراکم این مقررات که به معضلی بزرگ تبدیل شده تا جائیکه حتی جامعه حقوقدانان از درک و اطلاع از این مقررات عاجز مانده‌اند. این قوانین که عمدتاً در حوزه جرم‌انگاری در جهت مبارزه با مفاسد اداری و مالی و اقتصادی در زمینه گزینش جذب و استخدام نیروی انسانی، ایجاد تأسیسات و نهاد های قضایی و شبه قضایی، ایجاد دستگاه های متعدد نظارتی، واکنش های تنبیهی و ترمیمی، پیشگیری از بروز مفاسد و... تصویب شده بخشی از سیاست های جنایی موجود در اعمال تدبیر و چاره اندیشی در جهت اصلاح و بهبود امور در بخش اداری کشور بوده است. انبوه این قوانین خود بیان گر این واقعیت است که مقنن و مسئولین عالی کشور بخصوص در قوه مجریه سر در گم شده و تنها چاره را در جهت مبارزه با پدیده‌های مجرمانه اصلاح امور و حسن جریان امور اداری، قانون گذاری دانسته‌اند. به نظر می‌رسد به راه حل های دیگر اعتنایی کافی صورت نگرفته است. ایجاد مرکز مبارزه با مفاسد اقتصادی با حضور رؤسای سه قوه نظام جمهوری اسلامی، قوانین تشدید کننده مبارزه با اختلاس، ارتشاء، کلاهبرداری، قانون منع اخذ پورسانت در معاملات خارجی، ایجاد دادگاه های ویژه مبارزه با مفاسد اقتصادی و رسیدگی به کارکنان دولت، ایجاد دادگاه های اداری متعدد از جمله دیوان عدالت اداری، مفاسد دادرسی و دادگاه دیوان محاسبات، ایجاد دستگاه های متعدد نظارتی از جمله سازمان بازرسی کل کشور، دفاتر بازرسی و شکایات، وزارت اطلاعات، دیوان محاسبات، تأسیس مراجع شبه قضایی از جمله کمیته ها و هیات های تخلفات اداری و انضباطی، قانون مدیریت خدمات کشوری، قانون و مقررات استخدامی کشور در جهت جذب و استخدام نیروی انسانی، قانون برگزاری مناقصه و مزایده و صدها مورد دیگر بخشی از این مقررات است. علاوه بر حجم زیاد این قوانین، نگرانی های زیاد مقنن در اجحاف و تعدی به حقوق

شهر وندان موجب گردیده که قوانین متعدد دیگری در این خصوص تدوین گردد. قانون حفظ حقوق شهروندی، قانون تقصیرات مقامات و مامورین دولتی، قانون ایجاد دیوان عدالت اداری در جهت رسیدگی به شکایات و ادعاهایی اشخاص حقیقی و حقوقی علیه دولت و ابطال مصوبات خلاف مقررات شرع و قانون از جمله موارد مهم این قوانین است.

بند دوم: مفهوم سیاست جنایی در اقتصاد خصوصی

با وجود اینکه میزان اشتغال در بخش خصوصی در کشور در مقایسه با بخش‌های دولتی و تعاونی قابل توجه است لیکن در عمل بخش خصوصی از جایگاه نظارتی و حمایتی مطلوبی برخوردار نبوده است با بررسی سیاست جنایی در حوزه قوانین و مقررات به ویژه جرم انگاری‌های صورت گرفته در قوانین تعزیرات حکومتی، نظام صنفی و واکنش‌های پیش‌بینی شده ملاحظه می‌کنیم که به موجب این قوانین، سازمان تعزیرات حکومتی، مجامع و اتحادیه‌های صنفی پایه به عرصه وجود گذاشتند. لیکن این سازمان‌ها تا کنون نتوانسته‌اند به وظایف خود به خوبی عمل نمایند. شاید از جمله دلایل این موضوع آشنا نبودن بیشتر مردم با سازمان‌ها، نبودن ساختار و قدرت اجرای قوی در مجامع صنفی بوده است. پذیرش و اشتغال در این بخش عمدتاً تابع ضوابط و مقررات مدون نیست و قانون کار هم از ضمانت اجرایی مناسبی در این بخش برخوردار نیست. عملاً مدیران و صاحبان بخش خصوصی به میل شخصی خود عمل می‌نمایند. نظارت در بخش خصوصی با وجود شرکت‌های تجاری زیاد، دارای جایگاه موثر و مطلوبی نیست و عموماً جنبه‌ی تشریفاتی دارند. نظارت‌های موجود در این بخش از کارایی لازم برخوردار نیستند و خلاء قوانین موجود، بخصوص قانون تجارت موجب گردیده تا در تشکیل شرکت‌های تجاری،

صورت تشریفاتی و صوری انتخاب و صورتجلسات، تراز نامه و سایر اسناد بدون بررسی امضاء می‌گردد. بنابراین سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی موثری در این بخش تدوین نشده است. در بخش خصوصی قوانین متعددی در ابعاد گوناگونی جهت جلوگیری از تعرض به ارزش‌های موجود و مورد قبول آحاد جامعه جرم‌انگاری شده و به همین ترتیب واکنش‌های کیفری و غیر کیفری متناسب با جرائم و فرایند رسیدگی را پیش‌بینی کرده تا از ایجاد هرج و مرج در حوزه‌های اقتصادی جلوگیری شود. در این رهگذر جرم و مجازات یکی از رشته‌های منشعب از حقوق کیفری یا حقوق جنایی به عنوان حامی قهرآمیز ارزش‌ها و دستاوردهای اساسی این پیشرفت‌ها نیز متحول و به اقتضای ظهور ارزش‌های جدید تخصصی شده است.

بخش سوم: ماهیت و تبعات سیاست جنایی اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

اگرچه قوانین توسعه اقتصادی و فرهنگی کشور در برنامه‌های اول و دوم و سوم در طی سال‌های ۱۳۶۸ الی ۱۳۸۴ مواد قانونی مهمی را بر تسهیل و یا فراهم نمودن موضوع واگذاری سهام بنگاه‌های دولتی کوچک و حضور بخش‌های غیر دولتی در اقتصاد را مورد توجه قرار داده بود ولی ماهیت واقعی سیاست‌های کلی اصل ۴۴ را می‌توان در فرمان مقام معظم رهبری مشاهده نمود. «سرعت بخشیدن به رشد اقتصاد ملی، گسترش مالکیت در سطح عموم مردم به منظور تأمین عدالت اجتماعی، ارتقاء کارایی بنگاه‌های اقتصادی، بهره‌وری منابع مادی، انسانی و فن‌آوری، افزایش رقابت‌پذیری سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد ملی، افزایش سطح عمومی اشتغال، کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت‌های اقتصادی» این سیاست‌ها که بعدها اقتصاد دانان از آن به عنوان انقلاب اقتصادی یاد کردند نیازمند بسترهای لازم برای توسعه اقتصادی، بسط عدالت اجتماعی، تحقق اهداف چشم‌انداز بیست ساله کشور بود که از جمله آن تدوین و تصویب

قوانین جدید یا تغییر برخی قوانین موجود بود به همین منظور دولت در اقدامی همه جانبه تبدیل این سیاست جنایی به یک لایحه قانونی را در دستور کار خود قرار داد. قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، مهمترین سیاست جنایی تقنینی حاکم بر این بخش است. در این قانون، خصوصی سازی یکی از ابزارهای سیاست رقابتی است به وسیله آن سهم دولت از تصدی‌گری و مدیریت امور تولیدی در مقابل بخش خصوصی کاهش می‌یابد و می‌توان آن را در زمره اقدامات کنشی دانست که از طریق اصلاح ساختارهای موجود در پی حمایت از ارزش‌های تعیین شده (رقابت) و پیش‌گیری از نقض آن می‌باشد. اقدامات کنشی مندرج در اصل ۴۴ سعی دارد که به نحوی از جرایم و مفاسد اقتصادی به معنای عام کلمه پیشگیری کند. در این قانون واگذاری شرکت‌های دولتی به مردم، آزادی‌سازی اقتصادی و توسعه بخش تعاون به مثابه سه پایه توسعه اقتصادی تدبیر شده است. تسهیل رقابت و مبارزه با انحصار پایه چهارم و تعدیل کننده سه پایه دیگر است. در این قانون سیاست جنایی در مفهوم موسع آن شامل کلیه اقدامات سرکوب‌گرایانه کیفری و غیر کیفری و پیشگیرانه با ماهیت‌های مختلف می‌شود که دولت و جامعه مدنی هر یک به صورت مستقل و یا با مشارکت سازمان یافته یکدیگر از آن‌ها در قالب و روش‌های مختلف به منظور سرکوبی بزهکاری و بزهکاران و نیز پیشگیری از بزهکاری و انحراف استفاده می‌کنند. در قانون اجرایی اصل ۴۴ تأسیسات و نهاد شبه قضایی و شیوه‌های کنشی و واکنشی متفاوتی برای پیشگیری از جرایم اقتصادی به کار بسته شده است. پاسخ‌های کنشی از طریق ابزار و اهداف شرایط و روش‌های خصوصی سازی و پاسخ‌های واکنشی شامل حبس و جزای نقدی و غیر کیفری مانند پاسخ‌های اداری، مدنی، انتظامی، ترمیمی و همچنین با مشارکت جامعه مدنی و نهاد سازی مانند ایجاد شورای رقابت به عنوان یک

مرجع شبه قضایی در رسیدگی به جرایم و اختلافات اعمال می‌شود. آنچه مسلم است اجرای این سیاست جنایی با توجه به وسعت و ابعاد حجم واگذاری‌ها پیامدها و تبعات مثبت و منفی در اقتصاد ملی به جای خواهد گذاشت که در این پژوهش سعی داریم تا حد ممکن این موضوعات و آثار مثبت و منفی ناشی از سیاست جنایی اجرای اصل ۴۴ را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

بند اول: حوزه قوانین و مقررات

صرف نظر از عوامل اقتصادی، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، عوامل قانونی نیز موجب تشدید گسترش اقتصاد بخش دولتی گردید. با تصویب اصل ۴۴ و مصادره اموال وابستگان به رژیم پهلوی، حجم گسترده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی در مالکیت دولت قرار گرفت. لیکن بعد از جنگ و استقرار وضعیت عادی در کشور، دولت و مجلس موضوع خصوصی‌سازی را جهت نجات اقتصاد کشور سرلوحه کار خود قرار دادند. در سال‌های اول قوانین متعددی در طی برنامه‌های پنج ساله اول، دوم و سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و قوانین بودجه در جهت رشد و توسعه خصوصی‌سازی تصویب شد لیکن در عمل موجب حرکت جدی در بخش خصوصی نشد تا اینکه قوانین بنیادی و مؤثری در موارد زیر مورد توجه و تصویب قرار گرفت.

الف) ابلاغ سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

در طی دهه‌های گذشته، بی‌ثباتی سیاست‌ها و اختلافات موجود در بین دولت‌ها و مجلس موجب گردید مجمع تشخیص مصلحت نظام نسبت به بررسی تدوین سیاست‌های کلی نظام اقدام و در اسفند ماه ۱۳۷۹ به تصویب مقام معظم رهبری رسانده و به قوای سه‌گانه ابلاغ نماید. در این سند ضمن تشریح سیاست‌های کلی اقتصادی خصوصاً راجع به

خصوصی سازی تکالیف سنگینی برای دولت مقرر نمود برای نمونه ذیل بند الف از سیاست های کلی اصل ۴۴، دولت از ورود به هر فعالیت اقتصادی جدید خارج از صدر اصل ۴۴ منع گردید و ...

ب) سند چشم انداز بیست ساله کشور مصوب ۸۵/۹/۱۵ تا افق سال ۱۴۰۴.

ج) قانون برنامه پنج ساله چهارم و اجرای سیاست های اصل ۴۴ قانون اساسی مصوب ۸۷/۴/۳۱

متعاقب ابلاغ سیاست های کلی نظام، دولت لایحه و اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری فعالیت ها و بنگاه های دولتی به بخش غیر دولتی را تقدیم شورای اسلامی نمود که با توجه به ایرادات شورای نگهبان نهایتاً این مصوبه به تأیید مجمع تشخیص مصلحت نظام رسید و در تاریخ ۸۷/۴/۳۱ با عنوان «قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی برای اجرا به دولت ابلاغ شد». امروزه سیاست جنایی در سه مرحله با جرم انگاری روبرو می شود. جرم انگاری ناشی از حقوق بین الملل، جرم انگاری داخلی همزمان با جرم انگاری بین المللی، انتقال جرم انگاری از حقوق داخلی به حقوق بین الملل. از آنجائیکه بخش وسیعی از جرم انگاری های موجود قوانین اجرای اصل ۴۴ مربوط به حقوق رقابت می شود و این جرائم در زمره جرائم اقتصادی به معنای خاص کلمه است.^۱ قوانین مربوط به آن پیش از این، مورد حمایت سازمان ملل متحد، آنکتاد و سازمان جهانی تجارت قرار گرفته است. لذا می توان جرم انگاری در مورد حقوق رقابت را جرم انگاری ناشی از حقوق بین الملل دانست. همچنین چون این

۱- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، تقریرات درس جرم شناسی حقوق کیفری اقتصادی سال ۱۳۸۴، ص ۵۰۶ و ۵۰۲.

جرم‌انگاری حمایت از جامعه در برابر اشکال جدید بزهکاری غالباً مرتبط به فن‌آوری‌های نوین (سیاست جنایی مدرن‌سازی) می‌باشد می‌توان آن را در زمره جرم‌انگاری مدرن‌سازی قرار داد.^۱ در نتیجه می‌توان گفت که جرم‌انگاری‌های مربوط به حقوق رقابت را در زمره جرم‌انگاری‌های حمایتی و جرایم مربوط به واگذاری و خصوصی‌سازی را در زمره جرم‌انگاری مدرن‌سازی قرار داد. با ملاحظه قانون اجرایی اصل ۴۴ دو سیاست متفاوت در مورد ممنوعیت رفتارها مشهود است. پاره‌ای از افعال با همان روش معمول در سایر جرایم یعنی در نظر گرفتن مجازات برای آن‌ها جرم‌انگاری گردیده‌اند اما در مورد دیگر، قانون‌گذار با اتخاذ سیاست نوین ابتدا صرفاً بر ممنوعیت آن فعالیت خاص تأکید داشته و پس از آن در ماده‌ای جداگانه اختیاراتی به نهادهی به نام شورای رقابت در اتخاذ تصمیمات خنثی‌کننده و اصلاح‌کننده داده شده است. بنابراین در این مبحث پدیده مجرمانه را در ذیل دو عنوان مورد بررسی قرار می‌دهیم دسته‌ی اول را به لحاظ نحوه‌ی جرم‌انگاری در ردیف جرم‌انگاری سنتی و دسته دوم را جرایم نوین نام می‌نهم.^۲

بند دوم: فواید اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی

در اکثریت کشورهای متمدن دنیا و همچنین قواعد شرعی اسلام این اصل پذیرفته شده که ساختار اقتصاد دولت مطلق و تمام‌عیار، نمی‌تواند موجبات شکوفایی و رشد اقتصاد یک کشور را فراهم نماید. در روند تحولات اقتصادی موجود، خصوصی‌سازی راهی برای تعدیل و اصلاح ساختار اقتصادی مورد اقبال قرار گرفته است. مفهوم خصوصی‌سازی انتقال قدرت به مردم در کنار انتقال مالکیت قرار می‌گیرد. خصوصی‌سازی صرف انتقال

^۱ - دلماس مارتی می‌ری، از حقوق جزا تا سیاست جنایی، نجفی ابرندآبادی، حسین، سال ۷۶، ص ۱۷۹ و ۱۸۵.

^۲ - احمدی، زهرا، پایان‌نامه سیاست جنایی در خصوص مقررات اصل ۴۴، دانشگاه فردوسی مشهد، سال ۸۹، ص ۳۶.

مالکیت چند بنگاه اقتصادی از بخش دولتی به بخش خصوصی نیست بلکه تغییر نظام توزیع و کنترل منابع اقتصادی و بازنگری در سیستم باز توزیع ثروت ملی به نفع انگیزه‌های خصوصی است. خصوصی سازی در عمل بسیاری از ویژگی‌ها و فواید یک انقلاب را دارا است و مستلزم تغییرات اساسی در سازمان سیاسی، ساختار اجتماعی، کنترل منابع اقتصادی و نظام حاکم است. این تفکر که دولت در فعالیت اقتصادی مدیر و تاجر خوبی نیست و معمولاً ولخرجی می‌کند، بیشتر فعالیت دولت در مشاغل غیر تولیدی است. مداخله دولت در مکانیسم قیمت‌های طبیعی اختلال ایجاد می‌کند^۱. این موضوعات از واقعیت‌های علمی موجود حکایت دارد و فرار از این مشکلات خود فواید با ارزشی است که دولت‌ها از جمله دولت ما را به چاره‌جویی، در قالب اجرای اصل ۴۴ در اقتصاد ملی، جهت حذف انحصار، ایجاد رقابت در بخش‌های اقتصادی، تشویق مردم به سرمایه‌گذاری، افزایش کارایی و بهره‌وری در روند تولید و ارائه خدمات، حذف و اصلاح ساختارهای دولتی، قضایی و اجرایی بر اساس راهبرد سیاست جنایی واداشته است.

۱. ایجاد عدالت و مساوات در اقتصاد ملی

بدون شک تدوین کنندگان قانون اساسی علاوه بر سایر بخش‌های اقتصادی دولتی و خصوصی یکی از راه‌های تحقق عدالت اقتصادی و ایجاد برابری و توزیع عادلانه ثروت را در جامعه را در بخش اقتصاد تعاونی نهادینه کرده‌اند.

بخش تعاون در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، جایگاه رفیع و ارزشمندی دارد. قانون‌گذار بخش تعاون را یکی از روش‌های مهم رسیدن به مرحله‌ی رشد اقتصادی قرار

^۱ - زارع، محمد مهدی، گنجی، محسن، اصل ۴۴ انقلاب اقتصادی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، سال ۸۸، ص ۷۳ الی ۷۵.

داده و راه رسیدن به اشتغال کامل، توزیع عادلانه امکانات و وسایل کار و تولید را گسترش بخش تعاونی معرفی کرده است.

قانون گذار در فصل چهارم و در بخش اقتصاد و امور مالی دو هدف اصلی و یک هدف فرعی یا متوسط برای نظام جمهوری اسلامی تعریف کرده است. این سه هدف عبارتند از:

۱. عدالت اقتصادی: یعنی محرومیت زدایی، فقر زدایی و توزیع عادلانه، ثروت و در آمد

در جامعه

۲. استقلال اقتصادی: از اهداف اصلی به شمار می رود و زمینه ساز تحقق عدالت

اقتصادی است.

۳. رشد اقتصادی و رفع نیازهای مادی انسان‌ها: این هدف فرعی است به این معنا که رشد

اقتصاد بدون تحقق عدالت و استقلال هم جنبه کشور مورد تایید اسلام نیست.

- اصل چهل و سوم قانون اساسی می گوید: برای تامین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه

کن کردن فقر و محرومیت و بر آوردن نیازهای انسان در جریان رشد با حفظ آزادی او،

اقتصاد جمهوری اسلامی ایران بر اساس ضوابط زیر استوار می شود:

اینکه موارد فوق به صورت هدف نظام اقتصادی ذکر شده، ناشی از دو چهره ی منفی

تحقق یافته اقتصاد جهانی (آثار منفی نظام اقتصادی سرمایه داری و نظام اقتصادی

سوسیالیستی) است که در ذهن قانون گذار بوده و سبب شده که به صراحت این اهداف را

که بر گرفته از آموزه های دینی در اقتصاد است در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

بگنجانند. آن دغدغه ی اصلی نتایج سال ها فعالیت اقتصاد سرمایه داری در بخش عمده ای

از جهان، گسترش فقر، بی عدالتی، تمرکز ثروت در چنگال عده ای اندک، از بین رفتن

معنویت، اخلاق انسانی، کرامت و شخصیت انسانی انسان و تداوم حاکمیت سرمایه بر

جامعه بوده است. لذا قانون‌گذار در پرتو دستورهای دین اسلام و برای جلوگیری از تحقق نتایج غیر انسانی در ایران اسلامی، اهداف مذکور را برای نظام اقتصادی جمهوری اسلامی به صراحت اعلام و راه‌هایی را برای تحقق آن پیش‌بینی و ارائه کرده است. بنابراین از دیدگاه قانون‌گذار اهمیت تعاون در اقتصاد عامل و ابزاری برای رسیدن به رشد پایدار، همراه حفظ کرامت و منزلت انسان افراد و همچنین تحقق عدالت اقتصادی تلقی شده است.^۱ تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی سبب توزیع برابری ثروت در بین اقشار جامعه و رفاه عمومی خواهد شد و توزیع ثروت سبب کاهش جرائم و مفساد اقتصادی، مالی و اخلاقی می‌شود و جامعه‌ای امن و عاری از بزه خواهیم داشت. موضوعی که متولیان سیاست‌گذاری به دنبال آن هستند.

الف) تأمین عدالت اجتماعی

در بند ج از اصل ۴۴ قانون اساسی ابلاغی از سوی مقام معظم رهبری و در بند ۲ این سیاست‌ها، توسعه عدالت اجتماعی از طریق گسترش مالکیت‌ها، توزیع عادلانه ثروت و فقر زدایی از لایحه‌های اجتماعی سراسر کشور پیش‌بینی شده است. دانشمندان اسلامی اعتقاد دارند که افزایش ثروت ملی و برقراری عدالت اجتماعی دو پایه اساسی اقتصاد اسلامی است و تأکید نموده‌اند که هر روش، توصیه و نسخه اقتصادی که این دو هدف را تأمین کند مورد قبول است و هر طرح و بحث دیگری که به افزایش ثروت ملی و عدالت اجتماعی بی‌توجه باشد به درد کشور و مردم نمی‌خورد.^۲ طرح سهام عدالت و برخورداری دو دهک پایین جامعه از این سهام به معنای چوب حراج زدن به ثروت عمومی

^۱ - زارع، محمد مهدی، گنجی، محسن، اصل ۴۴ انقلاب اقتصادی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، سال ۸۸، ص ۱۳۶ الی ۱۳۷.

^۲ - مرکز پژوهش‌های مجلس از سایت مطالعات اقتصادی، بررسی سیاست‌های کلی مربوط به اصل ۴۴ قانون اساسی.

کشور نیست بلکه به معنای تبدیل دارایی کم بازده به ثروتی غنی و پیش برنده اقتصاد کشور با جهت‌گیری به سمت قشرهای محروم جامعه است.

اصولاً مشارکت‌پذیری، همزیستی، تأمین منافع ملی و بسط عدالت اجتماعی از جمله مهمترین ویژگی‌های جامعه مدنی است که این اصول در تفکر تعاونی نیز وجود دارد زیرا در شرکت‌های تعاونی با توجه به اصول و موازین تعاونی حاکم بر آن با هم سرمایه‌های مورد نیاز از تجمع سرمایه‌های اندک اعضای تعاونی حاصل می‌شود و هم این که معمولاً اعضای شرکت‌های تعاونی خود شاغل می‌باشند. در نتیجه اولاً سرمایه دار بزرگ در شرکت‌های تعاونی کمتر یافت می‌شود. ثانیاً به دلیل توزیع ارزش افزوده حاصل بین نیروی کار و صاحبان سرمایه‌های اندک از تجمع و تکاثر سود بین تعداد معدودی سرمایه دار بزرگ که در فعالیت‌های بزرگ اقتصادی بخش خصوصی رایج و معمول است جلوگیری می‌شود.^۱ این ویژگی مهم یعنی توزیع منافع و دست‌آورد‌های اقتصادی بین گروه‌های کثیری از نیروی کار و صاحبان سرمایه در مقایسه با عملکرد بخش خصوصی که گرایش دارد سهم عمده ارزش افزوده به صاحبان سرمایه‌های بزرگ تعلق گیرد باعث می‌شود تا تأمین عدالت اقتصادی از طریق بسط عدالت اجتماعی از طرف بخش تعاونی بهتر، کاملتر و سریعتر حاصل شود.^۲ لذا می‌توان گفت نبودن عدالت اقتصادی موجب بروز انواع جرائم در جامعه، ادارات و شرکت‌ها می‌گردد و تحقق آن بی‌نیازی ایجاد می‌نماید و بی‌نیازی موجب شرافت و کرامت در انسان‌ها می‌شود و کرامت شخصیت، انسان‌ها را از انحراف و تخلف باز می‌دارد.

^۱ - دریسایو بهمنشیر، حسین، از سایت HDERISAVI.com، مقاله بررسی علل و آسیب‌شناسی اجرای اصل ۴۴،

سال ۸۸ ص ۴.

^۲ - عسکرخانی، جعفر، کوشکی، محمدصادق، فصلنامه مطالعات راهبردی، سخنرانی علمی مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ص ۱۸۸ الی ۱۸۹.

ب) گسترش مالکیت مردم:

از مزایای مهم واگذاری سهام و تصدی های دولتی به بخش های خصوصی و تعاونی ایجاد تغییرات اساسی و بنیادی در زندگی اقتصادی مردم است و تعداد زیادی از شهروندان با سرمایه گذاری در بخش های خصوصی سهام دار می شوند و با بهبود وضع اقتصادی خانواده ها فقر هم از جامعه ریشه کن می شود. توزیع سهام عدالت در جامعه برای دهک های پائین جامعه به صورت رایگان یکی از این اقدامات است. با اجرای این سیاست ها در سالهای آینده اقتصاد ایران توسعه می یابد و ظرفیت بخش غیر دولتی بیشتر فعال خواهد شد که نتیجه ی طبیعی آن توسعه ی اشتغال است. ضمن اینکه سازمان های اقتصادی مردم محور شکل می گیرد و مردم در سرنوشت اقتصادی کشور و خودشان موثرتر می شوند. افزایش قدرت اشتغال زایی با واگذاری سهامی دولت به بخش خصوصی و مردمی سازمان های اقتصادی غیر دولتی در قالب تعاونی ها، شرکت های تجاری و بازرگانی بوجود می آید که به مردم قدرت تصمیم گیری می دهد تا با آزادی بیشتری فعالیت کنند و زندگی اقتصادی راحت تری داشته باشند و این حرکت باعث پیشرفت ملی غیر قابل انکار در زندگی آحاد جامعه خواهد بود. لازمه ی این کار این است که واگذاری سهام بنگاه های دولتی به گونه ای صورت گیرد که هیچ نوع رانتی در انتقال آنها وجود نداشته باشد در غیر این صورت نوعی فساد ایجاد خواهد شد ضمن اینکه نباید این سهام را به داوطلبانی که در پی کسب برخی مزایا و رانت ها هستند واگذار کرد. واقعیت این است که با گسترش بخش خصوصی نقش دولت از این پس تغییر کرده و از مالکیت و مدیریت مستقیم بنگاه ها به سیاست گذاری، هدایت و نظارت تبدیل می شود و به تبع آن اقتصاد ایران به تدریج از حالت دولتی خارج شده و به بخش های غیر دولتی اعم از عمومی، تعاونی و خصوصی عهده دار اداره بنگاه های کوچک و بزرگ اقتصادی خواهند شد. بنابراین بخش تعاون

واحد‌های تولیدی اعم از تولیدی و خدماتی می‌توانند با هدایت و نظارت دولت در پروژه‌های کوچک و بزرگ اقتصادی کشور سرمایه‌گذاری کرده و با تجمیع سرمایه‌های کوچکی که در اختیار دارند به سرعت مالکیت و مدیریت فعالیت‌های اقتصادی را که همچنان در اختیار دولت است به عهده بگیرند. حضور ساختار یافته و گسترده‌ی مردم در عرصه‌های مختلف اقتصادی به همراه استاندارد‌های مدیریتی، دانش و مهارت باعث می‌شود تا از سرمایه‌های مادی و معنوی کشور حد اکثر استفاده شود. و با تمرکز سرمایه‌های اجتماعی بر روی مزیت‌های اقتصادی کشور، شتاب و رونق اقتصادی پدیدار گردد. آن موقع اقتصاد مردم محور می‌شود. اقتصاد مردم محور یعنی اقتصادی که بهره‌وری را بالاتر و عدالت اجتماعی، فقر زدایی، اشتغال کامل را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. با این رویکرد وضعیت معیشتی و اقتصادی مردم تغییر می‌یابد و کمک به سطح زندگی مردم از یک طرف و رویکرد دولت به اهل کسب و تجارت و بازرگانان فزونی می‌یابد. این گونه می‌شود که نگاه دولت محور که تمامی جلب توجه خود را متوجه دولت می‌داند و دولت اصل است نگاه و جایگاه خود را به اقتصاد جامعه محور که موتور محرکه آن را بخش خصوصی تشکیل می‌دهد، معطوف می‌سازد. بنابراین در نگاه مردم محور گسترش مالکیت مردم نقش تعیین کننده می‌شود. و دولت در این وضعیت به حمایت مردم می‌پردازد و خود را از برنامه‌های عملیاتی تولیدی و خدماتی بیرون می‌کشد و نقش هدایت کننده و حمایت کننده را پیدا می‌کند. در این اوضاع و احوال و با دسترسی به چنین اقتصادی، تورم، گرانی، بیکاری، فقر در دراز مدت از جامعه رخت بر می‌بندد و خانواده‌های ایرانی از سرمایه‌های ملی برخوردار خواهند شد و جرائم عمومی کاهش چشم‌گیری می‌یابد. و این آرمانی است که متولیان سیاست‌جنایی به دنبال آن هستند. گسترش حجم دولت و پر مسئولیتی آن‌ها موجب شد تا تردیدها نسبت به نقش دولت و تاثیر آن‌ها در

تحولات و رشد و توسعه اقتصادی افزایش یابد و دولت‌ها به ناچار فرایند کوچک سازی و کاهش مسئولیت‌ها و تصدی‌ها را در دستور کار خود قرار دهند. خصوصی سازی را می توان تلاشی برای پررنگ کردن نقش بازار در مقابل تصمیم گیری های دولت به عنوان کارگزار اقتصادی دانست. اندیشه اصلی در تفکر خصوصی سازی حاکم کردن ساز و کار بازار بر تصمیم های اقتصادی است که نتیجه ی آن ایجاد فضای رقابتی برای بنگاه های خصوصی بوده و از این طریق رونق و رشد اقتصادی و کارایی بنگاه ها نسبت به بخش عمومی ارتقاء می یابد.^۱ تجارب نشان داده که کارایی کمتر بخش دولتی و خصلت های سود جویانه بخش خصوصی همواره ساختارهای اقتصادی در کشور را تحت تاثیر قرار داده است و به نظر می رسد بخش تعاونی ها با کارایی بیشتر و نگرش اجتماعی به موضوع کار و فعالیت بتواند تحولات لازم را در ارتقاء و رونق اقتصادی کشور ایجاد نماید. بر همین اساس مهمترین عامل زیر ساز در طراحی سیاست های توسعه اقتصادی یک کشور تعیین حدود و برجستگی نقش بخش عمومی و خصوصی در فرایند تحولات اقتصادی جامعه است. باید پذیرفت که خصوصی سازی تنها راه حل به وجود آوردن ساز و کار صحیح عرضه و تقاضا است. یکی از اصول اقتصادی پویا و همچنین از پیش فاکتورهای توسعه اقتصادی کشورهای پیشرفته دنیا، خصوصی سازی است. به همین دلیل است که رهبر معظم انقلاب اسلامی در ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی یکی از مهمترین اهداف اصل ۴۴ را شتاب بخشیدن به رشد اقتصاد ملی کشور از طریق اجرایی نمودن اصل ۴۴ یعنی خصوصی سازی اعلام داشته است. قطعاً اجرای درست خصوصی سازی در کشور در دراز مدت می تواند موجبات رشد و افزایش تولید و در نتیجه رشد و

^۱ - اولین همایش راهکارهای خصوصی سازی و اصل ۴۴ قانون اساسی از سایت اینترنتی

رونق اقتصادی را به دنبال داشته باشد که هم اکنون در بعضی از حوزه های واگذار شده نتایج این طرح آشکار شده است. در نتیجه رشد اقتصادی سبب افزایش اشتغال و کاهش بیکاری در جامعه خواهد شد لذا اشتغال بهترین و مؤثرترین عامل در پیشگیری از جرائم و انحرافات می‌باشد. با توجه به وضعیت اقتصادی ایران در سال های گذشته و سیطره دولت بر بخش عمده ای از فعالیت های اقتصادی، بخش غیر دولتی از جایگاه چندانی در فعالیت های اقتصادی برخوردار نبوده و این امر و اوامری همچون جهش اقتصادی، ارتقای بهره وری، کاهش تصدی گری دولت و مشارکت مردم در سرمایه گذاری، افزایش رقابت پذیری، افزایش سهم بخش خصوصی و تعاونی، شکل گیری تحول اساسی در اقتصاد ایران بخصوص سرمایه گذاری داخلی و خارجی را دو چندان ضروری می نماید. تصویب و اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی، انگیزه مردم بر بخش خصوصی را برای مشارکت در امر سرمایه گذاری به طور قابل ملاحظه ای افزایش داده است.^۱ آزادسازی تجارت یکی از راهکارهای عمده توسعه سرمایه گذاری است، آزادسازی تجاری در واقع از ابزارهای مهم سیاست رقابتی است که شامل کاهش موانع تعرفه ای و حذف بیشتر موانع در مقابل صادرات و واردات است و به تولیدکنندگان امکان می دهد تا وفق پیش روی خود را تا سطح بازار جهانی گسترش دهند. بنابراین با توجه به سیاست های مندرج در این اصل، مناطق مختلف کشور می توانند با فراهم آوری امکانات واگذاری این بخش های خصوصی رغبت و حضور هر چه بیشتر سرمایه گذاران داخلی و خارجی را افزایش دهد. چنانچه در صدور مجوزهای بند الف سیاست های اصل ۴۴ برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی یا سرمایه گذاری مشترک سهمی را برای مناطق کشور به خصوص مناطق آزاد در نظر گرفته شده که قطعاً این موضوع به گسترش سرمایه گذاری در این بخش ها منجر می

^۱ - اسدی کرم، علیرضا، مقاله چشم انداز بازار سرمایه، سال ۸۹، ص ۳.

شود. در حال حاضر پایین بودن امنیت سرمایه گذاری در سرزمین های اصلی از نگاه سرمایه گذاران خارجی، تراحم نهادها و دستگاههای اجرایی در پیشبرد برنامه های منطقه، ابهام در اجرای قوانین و مقررات، فقدان دید آرمانی و مشترک در خصوص نقش و جایگاه خصوصی سازی، فقدان نظام اجرایی در ساختار اقتصاد ملی همگی از مسائلی هستند که مانع از گسترش و سرمایه گذاری بخش های خصوصی می شود. لذا با توجه به تأکید بر فضای امنیت ایجاد شده در اجرای اصل ۴۴ بایستی شرایطی فراهم شود که بخش خصوصی بتواند در کوچک تر شدن حجم و دامنه فعالیت های دولت و سرعت بخشیدن به انجام پروژه هایی که منجر به رسیدن به شاخص های رفاه و عدالت اجتماعی می شود سهمیم باشند. متأسفانه تاکنون بخش خصوصی نتوانسته از ابزارهای لازم برای تحقیق، توسعه و ایجاد نوآوری و خلاقیت در فعالیت های اقتصادی استفاده کند. بنابراین جهت مشارکت مؤثر و کارآمد این بخش در فعالیت های مختلف منطقه از جمله اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی کشور، ایجاد کلینیک های کار آفرینی، شهرک های تخصصی، ارائه خدمات مشاوره ای و همکاری مؤثر با واحدهای علمی و فناوری لازم، نیازمند حضور بخش خصوصی قدرتمند در عرصه های سرمایه گذاری است. بدون تردید تحقق رقابت پذیری و تامین نیاز های گسترده انرژی طی سالیان آینده در گرو آن است که بخش خصوصی اصلی ترین عنصر در فعالیت های بنگاه های صنعتی تلقی شده و دولت در ازاء ایفای نقش کلیدی در عرصه ی سیاست گذاری نقشی حاشیه ای در اداره بنگاه های اقتصادی به عهده بگیرد. مالکیت گسترده دولتی، ساختار انحصاری بازار و درون گرایی و نداشتن تعامل با جهان خارج مهمترین و ضعف های بخش صنعت کشور در زمینه ی سرمایه گذاری است. از این رو ابلاغ سیاست های کلی اصل ۴۴ گامی مهم در مسیر تهیه مقدمات بزرگترین تجربه ی خصوصی سازی در تاریخ ایران تلقی می شود. اجرای مدبرانه ی این سیاست ها

که بویژه در حوضه ی صنعت به ارتقاء بهره وری منابع مادی و انسانی، افزایش رقابت پذیری در اقتصاد ملی، شتاب بخشیدن به رشد اقتصادی کشور و کاستن از بار مالی و مدیریتی دولت در تصدی فعالیت های اقتصادی و افزایش سهم بخش های خصوصی و تعاونی در منطقه منجر خواهد شد. نیازمند تمهید سازی و کارهای برنامه ای حقوقی و اجرایی گسترده ای است. که بدون همکاری و مشاوره ی صاحبان صنایع، نخبگان علمی و فعالان بخش های اقتصادی مهیا نخواهد شد اما اجرای این سیاست های اقتصادی مستلزم رعایت نکاتی می باشد که سرمایه گذاری بتواند در کشور رشد نماید.

۱- اجرای موفق این سیاست های اقتصادی نیازمند وجود یک اقتصاد کلان و با ثبات است و آن محیطی است که در آن تورم کم و قابل پیش بینی که به نرخ های واقعی و مناسبت سیاست مالی و با ثبات، نرخ ارز واقعی و قابل رقابت و ساختار بودجه ی عمومی کشور متعادل باشد.

۲- حمایت و تقویت بازار سرمایه خیلی مهم است. خصوصی سازی و سرمایه گذاری می بایست در فضا شفاف و رقابتی انجام شود. طبق تجربه واگذاری از طریق بورس اوراق بهادار مطمئن ترین روش در انتقال دارایی های دولت است .

۳- بازسازی اعتماد سرمایه گذاران به بازار سرمایه و توقف روند کاهش شاخص ها در بورس و انجام اقدامات لازم برای اجتناب از شکل گیری هر گونه شرایط غیر رقابتی به ویژه از نظر دسترسی به اطلاعات.

۴- توسعه نهادهای حقوقی و قانونی، آزادسازی تجاری، ارتقاء استاندارد ای تولید، تدوین راهبردهای ارتقاء فناوری، توسعه ی بازار های مالی، اصلاح قوانین و مقررات تبعیض آمیز و غیر رقابتی از اهم الزامات اجرای سرمایه گذاری است.

از این رو تصحیح جهت گیری دولت به سمت سرمایه گذاری های زیر بنایی، تضمین حقوق مالکیت، اصلاح قوانین کار و مالیات (تجمیع عوارض) به نفع تولید ملی، اصلاح تعرفه ها و مقررات تجارت خارجی با رویکرد آزاد سازی اقتصادی و تلاش برای جذب سرمایه گذاری خارجی از طریق کاهش ریسک تجاری ضروری به نظر می رسد. آنچه مسلم است اینکه سرمایه گذاری داخلی و خارجی می بایست با رعایت موازین شرعی و قانونی مندرج در اصل ۴۴ و سایر اصول قانون اساسی باشد به گونه ای که رشد سرمایه گذاری سبب تضییع حقوق بیت المال و رشد جرائم اقتصادی نگردد.

خصوصی سازی یکی از ابزارهای سیاست رقابتی است که بوسیله آن سهم دولت از تصدی گری و مدیریت امور تولیدی در مقابل بخش خصوصی کاهش می یابد. به همین جهت می توان آن را از جمله اقدامات پیشگیرانه دانست که از طریق اطلاع ساختارهای موجود اقتصادی، سیاسی، قانونی و به دنبال حمایت از ارزش های نهفته در درون رقابت عمل می نماید. افزایش کارایی در تولید و خدمات عمومی جامعه عمدتاً از طریق گسترش واگذاری بنگاه های دولتی به بخش خصوصی اتفاق می افتد زیرا در رقابت هدف نهایی دست یابی به سطح بالاتر کارایی اقتصادی است. طرفداران این نظریه، اعتقاد دارند که واگذاری تصدی های دولتی به بخش خصوصی به سه طریق منجر به افزایش کارایی می شود. ۱) هزینه تمام شده را کاهش می دهد ۲) کیفیت محصول را بهبود می بخشد ۳) با کاهش بار دولت، قدرت هدایت و نظارت دولتی را فزونی می بخشد. به عبارتی هم بخش خصوصی و هم بخش دولتی موفق تر عمل می کنند. در این روش عدالت، توزیع در آمد اشتغال کارکنان واحدها اصالتاً تنها مورد توجه نبوده بلکه دستیابی به کارایی بالاتر از اهمیت برخوردار است. این رویکرد مورد توجه طرفداران سیاست های تعدیل است و بر اساس آن که در زمره ابزارهای سیاست رقابتی محسوب شود باید مضامین مرتبط با عدالت

و توزیع در آمد را نیز به گونه ای مورد توجه قرار دهد.^۱ در مواردی که دولت ها با نقش گسترده در اقتصاد به فروش و واگذاری بنگاه های اقتصادی به عنوان منبع در آمدی برای تامین بودجه دولت نگاه می کنند این امر در کوتاه مدت ممکن است موجب افزایش کارایی شود زیرا منافع خزانه دولت تامین می شود ولی این رویکرد زمانی ارزش پیدا می کند که متعاقب فروش و واگذاری سهام دولتی همچنان نظارت دولت با بر جا و باقی بماند تا بخش خصوصی دچار افت کارایی و عدم عملکرد نامطلوب نشود زیرا در غیر این صورت نه سهامی باقی خواهد بماند و نه بخش خصوصی از کارایی مطلوب برخوردار خواهد شد. برای رفع این نقیصه بهتر است که از مشارکت گسترده بخش خصوصی استفاده شود و به بخش خصوصی فضای بیشتری برای عمل در بازار داده شود و این ممکن نیست مگر این که زمینه های فراهم شود که طی آن اقشار ضعیف و آسیب پذیر قادر به دریافت بخشی از سهام صنایع مشمول واگذاری شوند و در نتیجه سهام دار شدن تلاش و کوشش مضاعفی به خرج می دهند. با چنگ و دندان از حاکمیت خود دفاع می کنند. مطالعات جوامع در خصوص ارزیابی عملکرد بنگاه های دولتی نشان می دهد به طور متوسط بنگاه های دولتی پایین تر از بنگاه های خصوصی است که در همان زمینه به فعالیت مشغول هستند. بنگاه های دولتی به خصوص در کشورهای در حال توسعه در فضایی کاملاً تحت کنترل عمل می کنند که در آن دولت مالک بوده و مدیریت آن صرفاً یک عامل است. عدم کارایی بنگاه های دولتی از فقدان استقلال در تعیین اهداف وضعیت کالاها و خدمات تولیدی، استخدام یا اخراج کارگران، پرداخت حقوق و پاداش و خرید و به کار گیری دارایی های جدید و... نشأت می گیرد. با خصوصی سازی بنگاه های دولتی رابطه

^۱- مرادی، بهنام، دانشگاه آزاد فیروزکوه، ابعاد خصوصی سازی و آثار آن بر سرمایه گذاری خصوصی، مجله سیاسی،

منطقی بین مالکان شرکت و مدیران تعریف می شود و مدیران اجازه می یابند کنترل کاملی بر بنگاه های اعمال نمایند تا به اهداف تعیین شده که مهمترین آنها حداکثر کردن سود است دست یابند. این حالت حتی برای مواردی همچون به پیمان گذاشتن فعالیت ها یا اجاره واحدهای تولیدی که مالکیت آنها کما کان دولتی باقی می ماند نیز صادق است. در بنگاه های دولتی تشویق مدیران به ندرت با سود دهی بنگاه ارتباط دارد و بیشتر با لحاظ عنوان عواملی همچون میزان تولید، فروش، نگهداری سطح اشتغال و ... تعیین می گردد.

نتیجه گیری

با وجود اصل ۴۴ قانون اساسی و تقسیم بندی ساختار اقتصادی کشور به بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی به جهات متعددی از جمله وجود جنگ تحمیلی، کماکان اقتصاد دولتی رشد و توسعه چشمگیری یافت. در این دوران ملاحظه کردیم که در عرصه سیاست جنایی تقنینی قوانین بی شماری در جهت پیشگیری و سرکوب انحرافات و مفسد اداری و اقتصادی همراه با واکنش های کیفری و غیر کیفری جرم انگاری گردید. در سیاست جنایی قضایی مراجع قضایی، شبه قضایی و نظارتی متعددی از جمله دیوان کیفر کارکنان دولت، سازمان بازرسی کشور رشد و گسترش قابل توجهی یافتند. در حوزه سیاست جنایی اجرایی از مرحله پذیرش و استخدام کارکنان در جهت به کارگیری نیروهای سالم و کارآمد گرفته تا ایجاد دستگاه ها و واحدهای نظارتی درون سازمانی و برون سازمانی برای پیشگیری از جرم و حسن جریان امور اداری بوجود آمدند. لیکن نه تنها نتیجه مثبت و مؤثری به دست نیامد بلکه شاهد رشد و افزایش جرائم و مفسد اقتصادی و مالی کلانی در سازمان ها و شرکت های دولتی بودیم. در این مدت در بخش های تعاونی و

خصوصی جرم انگاری ها بخصوص در حوزه اصناف صورت گرفت و مراجع قضایی و شبه قضایی مانند سازمان تعزیرات، شورای حل اختلاف و ... پا به عرصه وجود گذاشتند لیکن

از لحاظ کمی و کیفی کافی به مقصود نبوده و در عمل کارایی چندانی نداشته است. تا اینکه از سال ۶۸ به بعد، متولیان سیاست جنایی کشور، راهبرد جدیدی را جهت پایان دادن به این افزایش جرائم و سرو و سامان دادن به وضعیت اقتصادی کشور تحت عنوان اجرایی نمودن اصل ۴۴ یعنی خصوصی‌سازی آغاز نمودند. ابلاغ سیاست‌های اصل ۴۴ و تصویب قانون اجرای آن یعنی قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و ... را می‌توان نقطه عطفی در تاریخ اقتصاد ایران دانست. تعیین قلمرو فعالیت‌های بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی با هدف محدود کردن فعالیت‌های بخش دولتی، دادن امتیازات ویژه به بخش تعاونی در جهت تحقق بیشتر عدالت اجتماعی در قالب سهام عدالت، تعیین روش‌های واگذاری متنوع از طریق بورس، مزایده و مذاکره ایجاد نهاد شورای عالی اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ به منظور تبیین سیاست‌ها و خط مشی‌های اجرایی سالانه، تشکیل شورای رقابت به عنوان یک نهاد شبه قضایی در جهت مبارزه با انحصار و تسهیل رقابت از اهم سیاست‌های جنایی مندرج در قوانین مربوط به اجرای اصل ۴۴ است.

منابع و مأخذ

الف) کتابها

- اسکینی، ربیعا، سال ۷۷، حقوق تجارت شرکت‌های تجاری، دانشگاه تهران، تهران، ص ۶۹.

- پاکدامن، رضا، سال ۸۸، رویکردهای اجرایی و جنایی قانون خصوصی‌سازی، مراکز آموزش و تحقیقات صنعتی ایران، تهران، ص ۵۰ الی ۵۴.

- حسینی، سیدمحمد، سال ۸۳، سیاست جنایی در اسلام و جمهوری اسلامی ایران، دانشگاه تهران، تهران، ص ۹۳ الی ۹۵.

- دانش‌فرد، کرم‌الله، سال ۸۴، بررسی مسائل مدیریت دولتی ایران، واحد علوم و تحقیقات دانشگاه آزاد تهران، تهران، ص ۸۴.

- دفتر حقوقی و امور مجلس، سال ۷۰، گزیده‌ای از قوانین و مقررات شرکت‌های دولتی، سازمان برنامه و بودجه، تهران، ص ۹۸.

- رستمی، ولی، سال ۸۸، دادرسی عادلانه در مراجع اختصاصی اداری ایران، گرایش، تهران، ص ۵۵.

ب) مقاله‌ها

- احمدیان، علی‌رضا، خرداد و تیر ۸۸، مفهوم مالکیت، نشریه حقوقی، فرهنگی، اجتماعی دادگستر، ص ۴۲ الی ۴۴.

- اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران، سال ۸۵، **بازرگانی خصوصی‌سازی در ایران**، سازمان خصوصی‌سازی ایران، شماره ۱۰، ص ۲۵ الی ۲۶.
- اسدی کرم، علیرضا، سال ۸۹، **چشم‌انداز بازار سرمایه**، ص ۳.
- امامی، محمد، سال ۸۳، **مبانی نظری مراجع شبه‌قضایی و جایگاه آن در حقوق ایران**، دوره بیست و یکم، شماره دوم، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، ص ۱۱۹ الی ۱۲۰.
- امامی، محمد، نادری، مسعود، سال ۸۶، **تأملاتی پیرامون نظارت مالی بر دستگاه‌های دولتی ایران**، شماره هشتم، نشریه حقوق اساسی، ص ۴۳.
- مالک، محمدرضا، سال ۸۲، **وظایف و مسئولیت‌های دولت اسلامی در اقتصاد**، سال سوم، مجله اقتصاد اسلامی، ص ۸۹ الی ۹۰.
- ماندگار، مصطفی، سال ۸۳، **مسئولیت مدیران شرکت‌های تجاری**، کوشامهر، مجله علمی و تخصصی کانون وکلای دادگستری فارس، ص ۶۴.
- متنی‌نژاد، صادق، سال ۸۸، **بررسی قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت‌های مالی**، ص ۹۲.
- مرادی، بهنام، سال ۸۸، **ابعاد خصوصی‌سازی و آثار آن بر سرمایه‌گذاری خصوصی**، مجله سیاسی، اقتصادی دانشگاه آزاد فیروزکوه، شماره ۲۱۳ و ۲۱۴، ص ۱۸۲.